

Analysis of the Perceptual Faculty of " Samā'" in the Verses of the Holy Quran

Somayeh Abarghoie Podeh¹

Zahra Sarfi²

1. MA Student of Qur'an and Hadith Sciences, Faculty of Theology, Alzahra University, Tehran, Iran. (The Corresponding Author). Orcid: [https:// orcid.org/0000-0001-6996-5554](https://orcid.org/0000-0001-6996-5554). Email: sabarghoie@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of Qur'an and Hadith Sciences, Faculty of Theology, Alzahra University, Tehran, Iran. Orcid: <https://orcid.org/0000-0002-0452-2637> Email: sarfi@alzahra.ac.ir

DOI: 10.22051/tqh.2024.44773.3984

*Promotional
Research*

Received:
2023/08/21
Accepted:
2024/06/01

Keywords:
Divine
Creation,
Non-Human
Hearing,
Hearing
(Samā'),
Perceptual
Faculty

Abstract: "Hearing"(Samā') is one of the frequently used terms in the verses of the Quran, reflecting the significance of this perceptual faculty in human life. This study employs a descriptive-analytical approach, specifically content analysis, and utilizes library research to derive and outline a Quranic model of Samā'. Initially, verses containing the term " Samā'" were identified (163 verses), and through engagement with the contextual meaning of these verses, a quantitative analysis was conducted, resulting in the extraction of 679 sub-themes and 34 organizing themes related to the Samā'. These themes were categorized into three overarching thematic groups: Divine Hearing, Human Hearing, and Non-Human Hearing. According to the findings, Divine Hearing (Samā') indicates God's absolute knowledge and dominion over His creations. Moreover, God is the creator of hearing in His creatures and can withdraw it whenever He wills. In humans, the faculty of hearing serves as a tool for guidance, contingent upon their actions and auditory responses to what they hear; inappropriate actions may lead to their ruin. The Quranic verses also indicate that demons and jinn possess the faculty of hearing, exercising free will in listening to divine verses and demonstrating various reactions in response to the divine word.

تحلیل الگوی قوه ادراکی «سمع» در آیات قرآن کریم

سمیه ابرقویی پوده^۱ زهرا صرفی^۲

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران (نویسنده مسئول). Sabarghoie@gmail.com

(Orcid: 0000-0001-6996-5554)

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران. Sarfi@alzahra.ac.ir

(Orcid: 0000-0002-0452-2637)

DOI: [10.22051/TQH.2024.44773.3984](https://doi.org/10.22051/TQH.2024.44773.3984)

چکیده: «سمع» از واژگان پربسامد در آیات قرآن است که نشان دهنده اهمیت این قوه ادراکی در زندگی انسان می باشد. در این پژوهش به روش توصیفی- تحلیلی از نوع تحلیل محتوا و با مطالعه کتابخانه‌ای تلاش شده است تا الگوی قرآنی سمع استنباط و ترسیم شود. بدین منظور، ابتدا آیات مشتمل بر واژه سمع (۱۶۳ آیه) تفکیک گردید و پس از انس با آیات مبتنی بر سیاق، تحلیل کمی شده و تعداد ۶۷۹ مضمون فرعی و ۳۴ مضمون سازمان دهنده مربوط به قوه سمع استخراج شد. این مضامین در سه مضمون فراگیر مضمونی خداوند و سمع، سمع انسان و سمع غیرانسان سازمان دهی شد. طبق یافته‌های پژوهش، سمع الهی حاکی از علم و احاطه مطلق خداوند بر مخلوقات است. افزون بر آنکه خداوند جاعل سمع در مخلوقات است و هرگاه اراده کند آن را باز می‌ستاند. قوه سمع در انسان ابزار هدایت اوست و این امر مشروط به نوع کنش و موضع‌گیری شنیداری او در برابر مسموعات بوده و چه بسا کنش نامناسب اسباب هلاکت وی گردد. طبق آیات قرآن، شیاطین و جنیان نیز از قوه سمع برخوردارند و نسبت به شنیدن آیات الهی دارای اختیار بوده و کنش‌هایی را در مواجهه با کلام الهی نشان داده‌اند.

صص:

۱-۲۷

مقاله

علمی ترویجی

دریافت:

۱۴۰۲/۱۰/۲۱

پذیرش:

۱۴۰۳/۳/۱۲

کلیدواژه‌ها:

جعل الهی،

سمع غیرانسان،

سمع،

قوه ادراکی.

۱. مقدمه

ادراک کیفیت مادی، با حواس ظاهری و اندام‌های حسی صورت می‌گیرد. هر انسانی با کمک حواس ظاهری خودش صفاتی از اجسام مانند: رنگ، بو، مزه، صوت و... را درک می‌کند که غالباً تغییرپذیرند. علمای گذشته پنج نوع از این حواس را شناسایی کرده‌اند و در روان‌شناسی حواس دیگری هم غیر از حواس پنجگانه مذکور شناسایی شده است. انسان در محیط زندگی خود به طور دائم در معرض محرک‌های حسی مختلف قرار دارد که به اختیار خود به برخی توجه کرده و یا به تعبیر، تفسیر و سازمان‌دهی آنها و به عبارت دیگر به ادراک آنها می‌پردازد. این فرآیندها به طور به هم پیوسته و سریع رخ می‌دهد، به نحوی که فاصله زمانی میان آنها نامحسوس است.

حس شنوایی از مهمترین حواس انسانی است که در ادراک انسان از محیط پیرامون و مهمتر از آن در ایجاد ارتباط با دیگران نقش بسیار مهمی دارد و در جهت‌دهی به زندگی انسان نقش‌آفرین است. از این رو عارفان گوش را دهان جان انسان دانسته‌اند و بر این باورند که از طریق گوش غذای جان تأمین می‌شود. آدمی فربه شود از راه گوش/ جانور فربه شود از حلق و نوش (حسن‌زاده آملی، ۱۳۶۹، ص ۴۹) و مولوی سروده است که: «عالمی را یک سخن ویران کند/ روبه‌جان مرده را شیران کند».

با توجه به اثرگذاری ویژه قوه ادراکی سمع، این واژه در قرآن کریم ۱۸۵ بار در ۱۶۳ آیه و ۵۷ سوره تکرار شده است. این تعدد کاربرد، نشان از اهمیت این قوه ادراکی از دیدگاه قرآن دارد و از این رو به انسان هشدار داده است که نسبت به این قوه مسئول است: «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا» (الإسراء: ۳۶). خواست و اراده انسان در کیفیت به‌کارگیری این نعمت ممتاز الهی بسیار نقش‌آفرین است: «إِنَّكَ لَا تَسْمِعُ الْمَوْتَىٰ وَلَا تَسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ» (النمل: ۸۰). توجه به قواعد و نکات شنیداری موجود در آیات قرآن کریم درباره قوه ادراکی سمع می‌تواند در توانمندسازی انسان در کاربری آگاهانه این قوه مؤثر و راه‌گشا باشد و او را در برطرف‌ساختن موانع موجود در کاربری شایسته

آن یاری رساند. کاربری آگاهانه از این قوا و رفع موانع از نگاه قرآن سبب هدایت انسان به سوی سعادت خواهد شد. لذا پژوهش حاضر تلاش دارد تا ضمن تحلیل کیفی آیات مشتمل بر کلید واژه سمع و با استخراج الگوی حاکم بر این آیات گامی در این مسیر بردارد.

۲. پیشینه تحقیق

در ارتباط با موضوع سمع، مطالعاتی در قالب پایان نامه و مقاله تدوین شده است؛ پایان نامه «زیبایی شناسی فواصل قرآنی سمع و بصر» (رجب شلگهی، ۱۳۹۵) از منظر علم زیبایی شناسی، آیات سمع و بصر را تحلیل کرده است. همچنین در پایان نامه «معناشناسی واژه سمع در قرآن و بازتاب آن در سیره معصومان (ع)»، سعی شده است تا در کنار تبیین این واژه به ارتباط آن با تعقل پرداخته شود (محرمی، ۱۳۹۳). در پژوهشی دیگر با عنوان «معناشناسی سمع در قرآن کریم»، واژه سمع در حوزه معناشناسی با روش تحلیلی توصیفی مورد مطالعه قرار گرفته است (شرکت، ۱۳۹۰). در مقاله «استعاره مفهومی سمع و اذن در آیات قرآن»، واژه سمع و اذن با روش استعاره مفهومی در آیات قرآن تحلیل شده است (میرزابابایی، ۱۳۹۶). در مطالعات قبلی بیشتر به معانی و شناخت واژه سمع پرداخته شده است، اما در این پژوهش با استفاده از چارچوب روش تحلیل محتوای مضمونی، با تکیه بر مضامین موجود در آیات سمع و با توجه به سیاق آیات؛ نگاه خاص و موضوعی به مقوله سمع دارد و الگوها و مضامین حاکم بر این آیات را مورد بررسی قرار می دهد و تحلیل کرده است.

۳. مفهوم شناسی سمع

در کتب لغت، «سمع» حس شنوایی یا گوش تعریف شده است که صداها را درک می کند و فعل آن شنیدن است (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۴۹؛ راغب، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۲۵۷؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۱۶۳).

سمع یکی از قوای ادراکی و واسطه انتقال شنیده‌ها است (سجادی ۱۳۷۹، ص ۲۶۷) و دارای معانی مختلفی مانند قوه شنوایی، شنیدن، فهم، درک و طاعت است (خاتمی، ۱۳۷۰، ص ۱۳۳). در بعضی متون از سمع، ادراک، فهم، طاعت و انقیاد و اجابت استنباط شده است (بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۴۱۵ق، ص ۱۷۲). اکثر لغت‌پژوهان بعد از معنای شنیدن، ادراک را به عنوان معنای اصلی سمع در نظر گرفته‌اند؛ به طوری که بیان می‌شود شخصی که موضوعی را درک نکند، ناشنواست (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۵، ص ۲۰۸-۲۰۹ و ۲۱۳). بنابر گزارش‌های لغوی فوق، می‌توان این گونه استنباط کرد که سمع، ادراک مسموع و علم به آن است به عبارت دیگر سمع به معنای ادراک، فهم و علم و آنچه اصوات و کلام به آن درک می‌شوند، می‌باشد.

طبق مطالعه انجام شده، سمع در قرآن در چهار معنی گوش، فعل شنیدن، فهم و ادراک، قبول و طاعت و فرمانبرداری از حق به کار رفته است و گاهی شنیدن با قلب، گاهی شنیدن با گوش مورد توجه است. همچنین واژه سمع در قرآن همیشه مفرد به کار رفته است. مشتقات ماده سمع در قرآن کریم به صورت فعلی (ماضی و مضارع و امر) و نیز با صورت اسمی (مصدر، صفت، اسم فاعل و صفت مشبیه) به کار رفته است. سمع در آیاتی در باب افعال به کار رفته است که معنای شنوایی و فهماندن و دانا کردن را دارد (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۳۲۴). سمع در باب استفعال به معنای گوش دادنی که همراه با قصد و اراده است کاربرد دارد (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۳۴۸). سمع به صورت مبالغه به معنای بسیار شنونده و اطاعت کننده نیز مشاهده می‌شود (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۳۴۶). سمیع نیز بر وزن فعیل از ساختارهای مبالغه به معنای شنونده و شنوایاننده و از اسماء خدای متعال در قرآن است که وسعت سمع او همه چیز را فراگرفته و به معنای شنیده شده نیز آمده است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۱۶۴؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۳۴۸).

۴. روش پژوهش

تحلیل محتوا در اصطلاح، مجموع فنون تحلیل ارتباطات، همراه با روش‌های عینی و منظم است که هدف آن توصیف محتوای پیام و شناختن معرف‌های مقداری و غیرمقداری است، که از طریق آن بتوان به شرایط تولید یا دریافت پیام (متغیرهای استنباط شده) آگاهی یافت. به واسطه‌ی تحلیل محتوا معانی اصلی پیام شناخته می‌شود. روش بازشناسی و تحلیل این پیام‌ها به صورت نظام‌مند بوده و از قوانین و دستورات مشخصی تبعیت می‌کند، لذا آشنا شدن با روش تحلیل محتوا ضروری است (باردن، ۱۳۷۵، ص ۲۹ و ۴۴). تحلیل محتوا، به دو گونه‌ی کمی و کیفی تقسیم می‌شود. روش‌های کمی، توزیعی هستند، در تحلیل کمی، از شمارش واحدهای محتوایی استفاده می‌شود و تلاش می‌گردد تا ویژگی‌های خاصی در متن اندازه‌گیری شود؛ اما روش‌های کیفی، تشدید می‌کنند، یعنی تعداد کمی اطلاعات مرکب و مفصل، تحلیل می‌شود و واحد اطلاعاتی پایه در آن‌ها ظهور یا غیبت یک خصیصه است (جانی پور و شکرانی، ۱۳۹۲، ص ۵).

تحلیل محتوای آیات بر اساس فن تحلیل محتوای مضمونی انجام شد که تمامی آیات دارای واژه سمع بر اساس این فن تحلیل گردیدند. مراحل پژوهش به شرح زیر است:

- ۱) استخراج آیات دارای ریشه سمع به ترتیب نزول؛
- ۲) مرور مکرر آیات سمع به منظور انس‌گیری با آیات؛
- ۳) تجمیع کلیه آیات در نرم‌افزار اکسل و تفکیک آنها بر اساس موضوع؛
- ۴) بررسی کامل محتوای هر متن جهت یافتن مضامین سازمان‌دهنده؛
- ۵) بررسی کامل عناصر تشکیل‌دهنده هر متن جهت یافتن مضامین پایه آن؛
- ۶) بررسی و تحلیل موضوعات اصلی به منظور ایجاد دسته‌بندی موضوعی کلان (مضامین فراگیر)؛
- ۷) استخراج اطلاعات آماری از مضامین فراگیر آیات در قالب نمودار؛
- ۸) استخراج اطلاعات آماری از مضامین سازمان‌دهنده هر دسته در قالب نمودار؛

۹) تحلیل کیفی آیات هر دسته بر اساس تحلیل‌های کمی، یادداشت‌های نظری و مطالعات کتابخانه‌ای؛

۱۰) ارائه نتیجه و الگوی کلی.

ساختار جدول کمی تحلیل محتوا، دارای قسمت‌های متعددی از جمله: ردیف، محتوا یا متن، مضمون فراگیر، مضمون سازمان‌دهنده، مضامین پایه و کدگذاری است، بنا به محدودیت ظرف مقاله، از درج کل جدول تحلیل محتوا احتراز نموده و فقط نمونه‌ای از جدول ترسیم می‌شود که بیانگر خصوصیات ذکر شده است. این جدول برگرفته از الگوی جدول تکمیلی است و مبنای مطالعات صورت گرفته را در این پژوهش مشخص می‌کند:

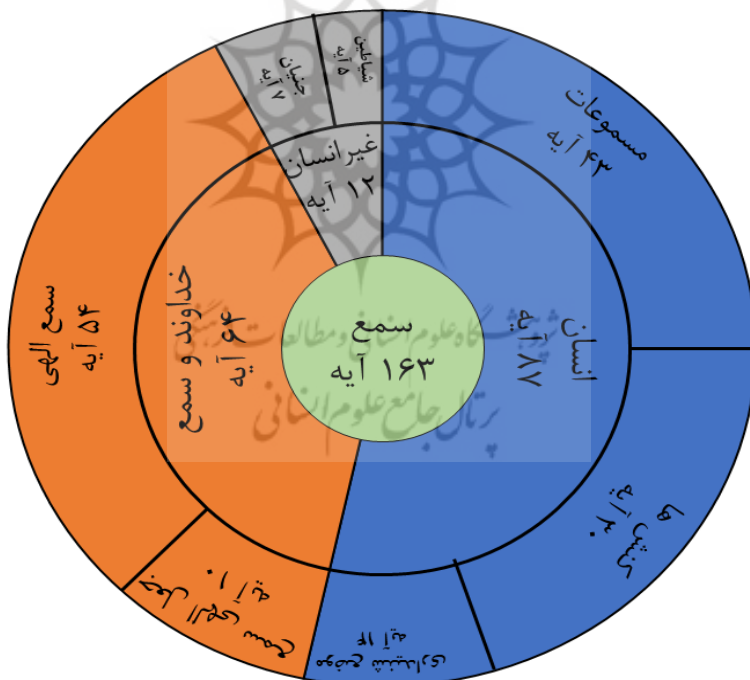


جدول ۱- تحلیل محتوای آیات سمع

آیه	متن آیه	مضمون فراگیر	مضمون سازمان‌دهنده	مضامین پایه
۱	لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِدَابًا (النبأ: ۳۵)	انسان	مسموعات بهشتی	نشینیدن لغو در جنت متقین
				نشینیدن دروغ در جنت متقین
				جزای متقین مکانیست عاری از مسموعات لغو و مسموعات دروغ
				نعمت نشینیدن مسموعات ممنوع در بهشت
				تمایز مسموعات لغو و مسموعات کذب
۲	إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ جَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا (الانسان: ۲)	انسان	جعل الهی ابزار سمع مقدمه ابتلا	لوازم اعطای ابزار نعمت سمع و بصر به انسان
				همراهی نعمت شنیدن با نعمت دیدن
				شنیدن مقدم بر دیدن
				تکامل نطفه انسان به واسطه برخورداری از قوای شنیدن و دیدن
				ابتلای انسان بر مبنای اعطای ابزار لازم
				شنیدن آیات هدایت‌کننده توسط جنیان
۳	وَ أَنَا لَمَّا سَمِعْنَا الْهُدَىٰ أَمَّا بِهِ فَمَنْ يُؤْمِنُ بِرَبِّهِ فَلَا يَخَافُ بَحْسًا وَلَا رَهَقًا (الجن: ۱۳)	غیر انسان	کنش جنیان بعد از شنیدن آیات قرآن	ایمان جنیان با گوش سپردن به آیات الهی قرآن
				نهراسیدن از نقص و ظلم با گوش سپردن به هدایت قرآن و ایمان به خدا
				ایمان جنیان به خداوند با گوش سپردن قرآن
				بهره‌مندی جنیان از قوه سمع

۵. نتایج تحلیل کمی آیات سمع

بر اساس یافته‌های جدول تحلیل محتوا، آیات قرآن کریم بر اساس نوع شنونده مشتمل بر سه گونه اصلی: خداوند، انسان و غیر انسان تقسیم شد؛ که تحت عنوان مضمون فراگیر نام گذاری شده است. پربسامدترین آیات مربوط به مقوله سمع انسان با فراوانی ۹۷آیه (۵۹/۵۱ درصد) است و خود مشتمل بر سه زیر مقوله مسموعات، کنش‌ها و موضع شنیداری است. همچنین مقوله خداوند و سمع با فراوانی ۵۴آیه (۳۳/۱۳ درصد) مشتمل بر دو زیرمقوله سمع الهی و جعل قوه سمع در انسان است. مقوله سمع غیر انسان با فراوانی ۱۲آیه (۷/۳۶ درصد) کمترین بسامد از آیات را در جهت گیری به خود اختصاص داده است.



۶. تحلیل کیفی آیات سمع

تحلیل محتوای کمی، پایه تحلیل کیفی است؛ براین اساس طبق یافته‌های حاصل از جدول تحلیل محتوای کمی در سه مقوله خداوند و سمع، سمع انسان و سمع غیر انسان، آیات سمع تحلیل می‌گردد. به دلیل ارجحیت مقام الهی ابتدا به تحلیل مقوله خداوند و سمع پرداخته می‌شود.

۶-۱. خداوند و سمع

این مقوله به مضامینی اختصاص دارد که مسئله سمع را به خداوند متعال پیوند می‌دهد. در این آیات دو دسته اصلی مضمونی وجود دارد که یا صفت سمع را به عنوان یک صفت الهی مطرح ساخته است و یا جعل قوه ادراکی سمع و یا سلب آن را به خداوند متعال نسبت داده است. که در قالب همین دو دسته اصلی تحلیل می‌گردد.

۶-۱-۱. سمع الهی

صفت "سمیع" از جمله صفات خبری خداوند متعال است و در قرآن کریم با دیگر صفات الهی مانند علیم، بصیر و قریب همنشین شده است و نیز به صورت ترکیب اضافی «سمیع‌الدعا» و و نیز به صورت اسم فاعلی به خداوند نسبت داده شده است: «قَالَ كَلَّا فَاذْهَبَا بِآيَاتِنَا إِنَّا مَعَكُمْ مُسْتَمِعُونَ» (الشعراء: ۱۵). امیرالمؤمنین علی (ع) درباره چگونگی سمع خداوند می‌فرماید: «هر شنونده‌ای جز خدا، در شنیدن صداهای ضعیف کر، و در برابر صداهای قوی، ناتوان است و آوازه‌های دور را نمی‌شنود و هر عالمی جز او دانش آموز است» (سیدرضی، ۱۴۱۴ق، خطبه ۶۵). مقوله سمع خداوند با توجه به صفت الهی دیگری که همنشین آن شده است، قابل تفکیک به دسته‌های مضمونی دیگری است.

پربسامدترین آیات سمع خداوند، مربوط به معیت دو صفت سمیع و علیم است و در تمام موارد سمیع بر علیم مقدم است. همنشینی سمیع و علیم بیان‌گر علم و آگاهی حضرت باری تعالی نسبت به شنوایی است. همراهی صفت سمیع و علیم به معنای احاطه، علم و قدرت خداوند نسبت به مخلوقات خود است که در آیات متعددی به آن اشاره گردیده است؛ از جمله آیه «لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ

طَلِمَ وَ كَانَ اللَّهُ سَمِيعاً عَلِيماً» (النساء: ۱۴۸) و «وَ إِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (الأنفال: ۶۱) به دست می‌آید که ذکر علیم بعد از سمیع از باب ذکر عام یا مطلق بعد از خاص و مقید است و تأکیدی است برای آن و جهت تحکیم حکم استعمال شده است (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۳۴-۳۴۷). در یک نگاه کلی موارد سمیع و علیم بودن خداوند متعال به موضوعات مختلفی تعلق یافته است که برخی از آنها عبارتند از: تمامی اقوال در آسمان‌ها و زمین: «قَالَ رَبِّي يَعْلَمُ الْقَوْلَ فِي السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (الأنبياء: ۴)؛ آگاهی نسبت به رزق مخلوقات «وَ كَأَيُّنْ مِنْ دَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَ إِيَّاكُمْ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ»؛ به اعمال «وَ قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (البقرة: ۲۴۴). این موضوعات مختلف که اختصاص به امور شنیدنی ندارد به عبارت دیگر امور شنیدنی در ضمن این موضوعات وجود دارد و این نکته دلالتی است بر رابطه ویژه دو صفت سمیع و علیم که در کنار هم احاطه خداوند بر آن موضوعات را می‌رساند با تأکید ویژه بر شنیدنی‌ها.

همراهی وصف الهی بصیر با سمیع نیز مکرر است و تقدم سمیع بر بصیر در این آیات هم قابل تأمل است. آمدن سمیع و بصیر در کنار یکدیگر به معنای آگاهی و نظارت خداوند نسبت به همه خلقت است. تأمل در این آیات نشان می‌دهد که سمیع و بصیر بودن حق تعالی به معنای درک و آگاهی او به کل هستی و خلقت است. در آیه «فَاطِرُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجاً وَ مِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجاً يَذُرُّكُمْ فِيهِ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ» (الشوری: ۱۱)؛ عبارت «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ» به نوعی بیان از عدم شباهت سمیع بودن و بصیر بودنش با هر چیزی دیگر را بیان می‌کند. از نظر برخی مفسران ذکر السَّمِيعُ الْبَصِيرُ بعد از لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ از این جهت است که خداوند با آن که شبیهی ندارد ولی تمامی دیدنی‌ها و شنیدنی‌ها را می‌بیند و می‌شنود (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۳۶).

سمیع و بصیر بودن خداوند در این آیات به موضوعات مختلفی تعلق یافته است از جمله به: ۱. تغییرات شب و روز: «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَ يُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَ أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ» (الحج: ۶۱)؛ ۲. به ثواب دنیا و آخرت: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ

تَوَابِ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ تَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا بَصِيرًا» (النساء: ۱۳۴)؛ ۳. به افعال و گفتار: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا» (النساء: ۵۸)؛ ۶. به مجادله کنندگانی که بدون حجت و دلیل در آیات الهی جدل می‌کنند «إِنَّ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَنٍ أَتَيْهِمْ إِنْ فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا كِبْرٌ مَّا هُمْ بِبِلَغِيهِ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ» (غافر: ۵۶). تمامی این آیات به نظارت الهی همراه با سمیع بودن خداوند اشاره دارد که هیچ مقوله‌ای از نگاه خداوند سمیع پوشیده نخواهد بود. خداوند نسبت به تمامی امور مخلوقات، چه پنهانی و چه آشکار، احاطه دارد.

عبارت سمیع‌الدعا دوبار و در سیاقی مشابه هم در قرآن کریم به کار رفته است؛ در آیه ۳۹ ابراهیم و نیز آیه: «هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ» (آل عمران: ۳۸). سمیع‌الدعا بودن الله، یعنی اینکه او شنونده و اجابت‌کننده‌ی دعا است.

وصف «قریب» در قرآن کریم سه بار ذکر شده است که تنها یک مرتبه همراه با واژه سمیع آمده است: «قُلْ إِنْ صَلَّيْتُ فَإِنَّمَا أَصَلُّ عَلَىٰ نَفْسِي وَإِنْ اهْتَدَيْتُ فِيمَا يُوحِي إِلَيَّ رَبِّي إِنَّهُ سَمِيعٌ قَرِيبٌ» (السبأ: ۵۰). "قریب" به معنای نزدیک، از اسماء حسنی الهی است. به باور پژوهشگران (إِنَّهُ سَمِيعٌ قَرِيبٌ) به این موضوع اشاره می‌کند که خداوند به واسطه نزدیک بودن به انسان‌ها، نیازها و درخواست‌های درونی و بیرونی آنها را می‌شنود و این نزدیکی باعث هدایت آنها خواهد شد (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۸، ص ۴۵۷).

در نگاه کلی بیشترین فراوانی آیات سمع خدا، راجع به آیاتی بود که واژه‌های "سمیع علیم" در معیت یکدیگر واقع شده بودند، این گروه از آیات شامل: سمیع و علیم بودن خداوند نسبت به اقوال، افعال و اسرار و بواطن است. سمع و بصیر بودن خداوند نیز در رتبه دوم با فراوانی ۱۳ آیه شامل: سمیع و بصیر بودن خداوند نسبت به امور خلقت، افعال و اقوال انسان و اسرار و بواطن است.

۶-۱-۲. جعل الهی قوه سمع در انسان و سلب آن

شماری از آیات قرآن کریم بر این مضمون تأکید می‌کنند که خداوند متعال جاعل قوه سمع در انسان است. تنها او می‌تواند قوه سمع را در انسان خلق کند و یا به سبب بروز رفتاری باز ستاند.

آگاهی انسان از این موضوع که خداوند به او نعمت شنیدن و دیدن داده است و نیز درک او از عظمت این دو نعمت الهی، در افزایش معرفت او به خداوند و سپاسگزاری او بر درگاه الهی موثر است. اما به طور معمول انسان از نعمت‌های الهی از جمله نعمت شنیدن غافل است و یا از شکر آن بازمانده است. بنابراین یکی از قواعد توانمندساختن این قوه، توجه به این نعمت و شکر الهی است: «قُلْ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَرَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ» (الملک: ۲۳). آیات قرآن کریم جعل الهی قوای ادراکی از جمله قوه سمع در انسان را مقدمه ابتلا دانسته است: «إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا» (الإنسان: ۲). به حکم این آیه مراقبت کردن از این قوای ادراکی و به کارگیری آنها در مسیر عبودیت الهی ضروری است. زیرا این امکان برای انسان وجود دارد که این قوا را در غیر مسیر طاعت الهی به کار ببرد و بر این اساس است که انسان سنجیده می‌شود که آیا حق شکر این قوا را به جای می‌آورد یا خیر؟ زیرا بالاترین مرتبه شکر نعمت کاربرد آنها در مسیر عبودیت است. مضمون این آیات در پیوند با مضمون آیه: «قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ أَمَّنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصَارَ وَ مَنْ يَخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ يَخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَ مَنْ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ» است که از جمله مالکیت‌های خداوند، مالک بودن او نسبت به قوای ادراکی انسان است. در حقیقت انسان با آگاهی از این که تمام قوای او به لطف و فضل پروردگار است و خداوند است که مالک حقیقی بر آنهاست، دیگر دلیلی برای عصیان از عبودیت الهی و کاربرد این قوا در مسیر عبودیت طاغوت ندارد. بر این اساس است که در آیات دیگر خداوند متعال به مشرکان هشدار می‌دهد که در صورت تداوم بر معصیت، قوای ادراکی سمع و بصر شما اخذ خواهد شد و از موانع سلب قوه سمع در انسان تداوم معصیت است: «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَخَذَ اللَّهُ سَمْعَكُمْ وَ أَبْصَارَكُمْ وَ خَتَمَ عَلَيَّ

قُلُوبِكُمْ مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرِ اللَّهِ يَأْتِيكُم بِهِ انظُرْ كَيْفَ نَصَرَفُ الْآيَاتِ ثُمَّ هُمْ يَصْدِفُونَ» (الأنعام: ۴۶).

۶-۲. سمع انسان

پربسامدترین مقوله در آیات مورد پژوهش، مقوله سمع انسان است، اما به لحاظ ارجحیت مقام الهی پیش از تحلیل کیفی سمع انسان به موضوع سمع خداوند پرداخته شد. مقوله مفهومی سمع انسان مشتمل بر سه دسته مضمون است: مسموعات، موضع شنیداری (کنش) و کنشگران.

۶-۲-۱. مسموعات

انسان نسبت به مسموعات دارای مسئولیت و وظایفی است: «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَٰئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا» (الإسراء: ۳۶) و بر این اساس مورد سؤال و مؤاخذه قرار خواهد گرفت. بنا به آیات مورد پژوهش، مسموعات، شامل دو دسته مسموعات نجات بخش و مسموعات هلاک بخش است. این قبیل مسموعات در توانمندسازی انسان در کاربری آگاهانه قوه سمع مؤثر و راه گشا است و در برطرف ساختن موانع موجود در کاربری شایسته آن، انسان را یاری می‌رساند.

۶-۲-۱-۱. مسموعات نجات بخش

گوش و چشم دو دروازه اصلی داده‌های ادراکی از جهان واقع به ذهن انسان است و شنیده‌ها و دیده‌های انسان خواه ناخواه بر خودآگاه و ناخودآگاه انسان اثر می‌گذارد و آن را جهت می‌دهد. از این رو قرآن کریم انسان را از برخی مسموعات باز داشته است و به برخی مسموعات دیگر امر کرده است تا مسیر او را برای حرکت در مسیر سعادت هموار سازد. خداوند متعال در آیه: «فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَاسْمَعُوا وَاطِيعُوا وَأَنْفِقُوا خَيْرًا لِّأَنْفُسِكُمْ وَمَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (التغابن: ۱۶) امر به گوش سپردن به آیات قرآن و فرامین الهی و دستورات پیامبران کرده است و در کنار تقوا، اطاعت از فرامین الهی، انفاق کردن و پرهیز از بخل در راه خدا، آن را از عوامل فلاح دانسته است. ترتیب ذکر این موارد در آیه خالی از لطف نیست، به نظر می‌رسد که تقوا مقدم بر گوش سپردن به خدا و رسول است زیرا تا فرد اهل تقوا

نباشد حتی اگر سخن خدا و رسول او را بشنود، توجهی نمی‌کند. پس فرد متقی به سخن خدا و رسول او گوش می‌سپارد و چنین شنیدنی است که مقدمه طاعت است و فرد را به انفاق در راه خدا و پرهیز از بخل سوق می‌دهد. بر همین اساس برخی مفسران اشاره کرده‌اند که سمع در این آیه به معنای اجابت و التزام قلبی است، یعنی انسان قلباً مطیع فرامین و دستورات الهی شده است و آنها را شنیده و پذیرفته است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۵۱۸). در سوره‌ی ق آیات ۳۶ و ۳۷، به مطالعه در تاریخ گذشتگان و عبرت‌پذیری از آن سفارش شده است: «وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِّنْ قَرْنٍ هُمْ أَشَدُّ مِنْهُمْ بَطْشًا فَنَقَّبُوا فِي الْبِلَادِ هَلْ مِن مَّحِيصٍ* إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرٍ لِّمَن كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَ هُوَ شَهِيدٌ». همچنین در سوره‌ی یونس آیه ۶۷، به دقت و تعقل به تغییرات شب و روز اشاره می‌شود. خداوند به تفکر در نظام خلقت توصیه می‌کند زیرا سبب بیداری و هدایت خواهد شد. انسان‌های شنونده‌ی کلام حق، دارای قوه ادراک هستند و به جهان آفرینش و خلقت با بصیرت و تعقل نگاه می‌کنند و سخن حق را می‌شنوند و دریافت می‌کنند: «هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَ النَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ» (یونس: ۶۷). در آیاتی دیگر به مؤمنان هشدار داده است که مورد اذیت و مواجهه با سخنان زشت و ناسزا از طرف دشمنان قرار خواهید گرفت و به این ابتلا دچار خواهید شد. در چنین مواقعی نیز انتظار خود را بیان کرده است: (لَتُبْلَوْنَ فِي أَمْوَالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ وَ لَتَسْمَعَنَّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ وَ مِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذًى كَثِيرًا وَ إِن تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِن عَزْمِ الْأُمُورِ) (آل عمران: ۱۸۶). در مواجهه با چنین مسموعاتی، توصیه به صبر و تقوا شده است و چنین صبری، یعنی صبر و تقوا در برابر مسموعات اذیت‌کننده از مصادیق عزم امور دانسته شده است. در حقیقت سرچشمه شتاب در انسان، جهل و عناد و تعصب است که این امر درست نقطه مقابل بصیرت و علم در انسان می‌باشد، لذا با عنایت به این توضیح باید گفت که عجله از آفات فکر و عمل بشر است (جانی‌پور و لطفی، ۱۳۹۴، ص ۳۷).

۶-۲-۱-۲. مسموعات هلاکت بخش

در دسته دیگری از آیات، از شنیدن برخی مسموعات نهی شده است که در حقیقت موانعی است برای توانمند سازی قوه سمع در انسان: از جمله آنکه از شنیدن مسموعات بی محتوا پرهیز داده شده است: «وَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَ إِن يَقُولُوا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ كَأَنَّهُمْ خُشْبٌ مُّسَدَّدٌ يَحْسَبُونَ كُلَّ صِيحَةٍ عَلَيْهِمْ هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرَهُمْ قَاتِلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ» (المنافقون: ۴). انسان گاهی با افرادی مواجه خواهد شد که ظاهر آراسته و سخنانی مخاطب پذیر دارند. اقوالشان مخاطب پسند، ولی بی محتوا و پشتوانه فکری است. قرآن کریم انسان‌ها را از گوش سپردن به چنین سخنانی برحذر داشته است. بعضی از سخنان در ظاهر زیبا هستند و ممکن است شنونده را به وجد آورد و سبب شود مخاطب به این سخنان گوش دهد اما پوچ و توخالی است. این صفت از صفات منافقان است؛ منافقان در بین مردم دروغگو و متظاهر به اسلام بودند و با موقعیت بالایشان، خود را مصلح معرفی می کردند (دیانی و پرچم، ۱۳۹۷، ص ۱۱۰). انسان باید نسبت به شنیده‌هایش مراقب باشد و نسبت به متکلم و سخنور دقت کند. از آنجا که گاه شنیدن این مسموعات گاه خارج از اراده انسان است، از انسان خواسته شده است که در صورت مواجهه با این مسموعات از گوش سپردن و به عبارت دیگر پیروی از چنین مسموعاتی پرهیزد: «وَ لَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَ الْبَصَرَ وَ الْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولاً» (الإسراء: ۳۶). هر چند ممکن است که نفس انسان به شنیدن آن راغب باشد، زیرا حرکت در چنین مسیری انسان را هلاک می‌سازد و سبب سلب قوه ادراکی سمع می‌گردد، از این رو خداوند متعال در آیه: «أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ الْإِلَهَهُ هَوَاهُ وَ أَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَى عِلْمٍ وَ خَتَمَ عَلَى سَمْعِهِ وَ قَلْبِهِ وَ جَعَلَ عَلَى بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ» (الجماعیة: ۲۳) از شنیدن و تبعیت از خواهش‌های نفسانی بازداشته است. بر همین اساس است که خداوند متعال انسان را از نشستن و گوش سپردن به استهزاء کنندگان آیات قرآن منع می‌کند. نتیجه همنشینی با ایشان به جهت اثرگذاری سوء، دوزخی شدن است: «وَ قَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتَ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَ يُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ إِنَّكُمْ إِذًا مِثْلُهُمْ إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَ الْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعاً» (النساء: ۱۴۰). حضور

در چنین مجالسی و گوش دادن به چنین سخنانی، اگر در نهایت باعث کفر ظاهری نشود، به نفاق و کفر باطنی منجر خواهد شد و قلب انسان نسبت به باورهای دینی تزلزل پیدا خواهد کرد. از این رو، یکی از مهم‌ترین امور سالک الی الله که باید به آن توجه کند، رعایت شنیدنی‌ها و مراقبت از آن است (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۹).

۶-۲-۲. موضع‌شنیداری (کنش در برابر سخن حق)

کنش یا موضع‌گیری شنیداری، نوع مواجهه‌ای است که افراد در برابر امکان‌گزینش بین دو انتخاب یعنی شنیدن یا گوش سپردن به کلام حق و نشنیدن و پشت کردن به کلام حق دارند. این مسئله در آیات مورد پژوهش، روشن می‌سازد که پیوند وثیقی میان شنیدن آیات الهی با تعقل و نشنیدن آیات قرآن با کفر و غفلت در انسان وجود دارد. شنیدن در حال غفلت و کفر، از موانع توانمندسازی قوه سمع در انسان است و اثرپذیری این قوه را مختل خواهد کرد.

تبیین درباره موضع‌گیری شنیداری منفی در مواجهه با آیات قرآن، بالاترین بسامد را به خود اختصاص داده است، که نشان می‌دهد پرداختن به چرایی مخالفت عده‌ای با حق و ریشه‌یابی آن از نگاه آیات قرآن کریم حائز اهمیت بوده است، زیرا به طور طبیعی انتظار می‌رود انسان در برابر حق خاضع باشد. در آیه: «فَإِنَّكَ لَا تُسْمِعُ الْمَوْتَىٰ وَلَا تُسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ» (الروم: ۵۲) اشاره شده است به این که اگر فردی به هر جهت مایل به گوش سپردن به حق و آیات الهی نباشد و چنین اراده کرده باشد، حتی رسول خدا^(ص) هم قادر نیست تا او را بر خلاف اراده‌اش به گوش سپردن به آیات الهی مجبور کند. وقتی کسی از سر اراده و آگاهی خود را از گوش سپردن به آیات الهی و اطاعت از آن محروم سازد، طبق سنت الهی که در آیات مختلف قرآن بر آن تاکید شده است، قوه تشخیص خود را از دست خواهد داد و بر قوای ادراکی او مهر خواهد خورد: «أُولَئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَ سَمِعِهِمْ وَ أَبْصَارِهِمْ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ» (النحل: ۱۰۸).

در آیه «وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ» (الملك: ۱۰) اعتراف دوزخیان به این مطلب که سخنان مندرین و کلام حق را نشنیدیم و تعقل نکردیم، نمایان گر ارتباط بین شنیدن کلام حق و تعقل است و دوزخیان به جهت یک موضع گیری منفی در برابر شنیدن و مخالفت با کلام حق اهل هلاکت شدند. در برابر چنین موضع گیری های شنیداری منفی در برابر حق، شماری از آیات دلالت بر موضع گیری های شنیداری مثبت در برابر حق دارد. در آیه «إِنْ تَسْمِعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ» (الروم: ۵۳) به این نکته اشاره شده است که کسانی که در برابر آیات الهی، اهل ایمان و تسلیم باشند به کلام حق گوش می دهند، به عبارت دیگر این افراد اراده آن را دارند که اگر دریافتند که سخنی از جانب خداوند است، در برابر آن تسلیم گردند و ایمان آورند؛ پس چون اهل ایمان آوردن به آیات الهی و تسلیم در برابر آن هستند، طبیعی است که به کلام حق گوش می سپارند.



۶-۲-۳. کنش گرها

بنا به آیات مورد پژوهش، هر کدام از گروه های مختلف مانند مومنان، کافران، یهودیان، فرعونیان، مشرکان، منافقان در مواجهه با شنیدن آیات قرآن و دعوت پیامبران و فرامین الهی، کنش مثبت یا کنش منفی از خود نشان داده اند و این کنش ها برکارایی قوه سمع در ایشان اثرگذار بوده است.

رسولان الهی، مؤمنان و اولوالالباب از کنشگرانی هستند که در مواجهه با سخن حق کنش مثبت داشته اند: «رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ كَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَ تَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ» (آل عمران: ۱۹۳). مؤمنان بعد از شنیدن ندای منادی ایمان و گوش سپردن به آن اقرار می کنند که این ندا را شنیده و پذیرفته اند. آنان به گوش سپردن و پذیرفتن دعوت الهی اقرار

می‌کنند و بعد از اقرار و شهادت، طلب بخشش گناهان و قرار دادن در زمره نیکان را از خداوند متعال خواستارند. بنابراین ویژگی مؤمنان، خوب شنیدن و گوش سپردن به آیات الهی و اطاعت کردن از فرامین خداوند و پیامبرش خواهد بود. از علائم غفران الهی و هدایت انسان، همین ویژگی‌ها؛ یعنی گوش سپردن و اطاعت از خدا و رسولش خواهد بود. همچنین در آیه: «ءَامَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَ الْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَ مَلَائِكَتِهِ وَ كُتُبِهِ وَ رُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْ رُّسُلِهِ وَ قَالُوا سَمِعْنَا وَ أَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ» (البقرة: ۲۸۵). "سمعنا" به معنای فهمیدن و تصدیق کردن است؛ یعنی دعوت پیامبران را با تمام وجود پذیرفته‌اند و اطاعت و پیروی خواهند کرد (مکارم، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۳۹۲). بنابراین کنش مؤمنان بعد از شنیدن کلام حق، اطاعت و پذیرش بی چون و چرای آنان را نشان می‌دهد. این افراد، خاضعانه با قلبی آماده و بیدار کلام الهی و منادی دعوت حق را شناخته و به حقانیت آن اقرار کرده‌اند. مؤمنان با شناخت حق و پی بردن به وجود خالق یکتا، از محضر الهی درخواست غفران دارند و تلاش می‌کنند در زمره‌ی خوبان قرار گیرند و به میثاق الهی که با خداوند بسته‌اند وفادار و متعهد باشند. خداوند متعال در قرآن از گروهی به نام "قوم یسمعون" یاد می‌کند، این گروه، بهترین شنوندگان و بهترین پذیرندگان فرامین الهی هستند؛ افرادی که با دقت به آیات قرآن گوش فرا داده و از آن تبعیت می‌کنند و با تعقل به نظام آفرینش می‌نگرند و به مسئله معاد توجه دارند: «وَ اللَّهُ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ» (النحل: ۶۵).

از دیگر سو کافران و مشرکین در مواجهه با سخن حق کنش منفی از خود بروز می‌دادند. از شنیدن سخن حق به دلیل باورهای غلط و تعصبات باطل اعراض می‌کردند: «مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي الْمِلَّةِ الْآخِرَةِ إِنْ هَذَا إِلَّا اخْتِلَافٌ» (ص: ۷) یا اصلاً زیر بار شنیدن کلام الهی نمی‌رفتند و با ایجاد سرو صدا و جاروجنجال مانع رسیدن سخن الهی به گوش خود و مردم می‌شدند: «وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَ الْعَوَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَعْلَبُونَ» (فصلت: ۲۶). خداوند متعال در سوره انفال آیه ۲۳ می‌فرماید که رویه مشرکین اعراض از حق است و اگر سخن حق به ایشان

برسد، حاضر به پذیرفتن آن نیستند: «وَلَوْ عَلِمَ اللَّهُ فِيهِمْ خَيْرًا لَأَسْمَعَهُمْ وَلَا أَسْمَعَهُمْ لَتَوَلَّوْا وَهُمْ مُعْرِضُونَ».

گروه دیگر همچون منافقان و یهودیان به نیت ایجاد فتنه و شبهه افکنی به آیات قرآن گوش سپرده و شروع به تحریف و دشمنی می‌کردند. در حقیقت شنیدن آنان توأم با نیت شوم بود: «أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يَحْرَفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ» (البقرة: ۷۵).

۳-۶ سمع غیر انسان

مقوله سمع غیر انسان مشتمل بر دو دسته مضامین سازمان‌دهنده شیاطین و جنیان است. مقوله جنیان، به ممنوعیت این گروه از شنیدن اخبار آسمانی و کنش آن‌ها در مواجهه با شنیدن آیات قرآن را مورد بررسی قرار داده است. در مقوله شیاطین، به ممنوعیت شنیدن آن‌ها از اخبار آسمانی اشاره دارد.

۳-۶-۱. جنیان

جنیان، از جمله موجوداتی هستند که مانند انسان‌ها، نسبت به شنیدن آیات قرآن کنش‌هایی داشتند. آیه «وَأَنَّا لَمَّا سَمِعْنَا الْهُدَىٰ آمَنَّا بِهِ فَمَنْ يُؤْمِنُ بِرَبِّهِ فَلَا يَخَافُ بَخْسًا وَلَا رَهَقًا» (الجن: ۱۳) اشاره دارد که در وقت قرائت قرآن توسط پیامبر (ص) گروهی از جنیان هم برای استماع قرآن نزد ایشان آمدند و به آیات قرآن گوش سپرده و با دقت مطالب آن را شنیدند. استماع قرآن توسط جنیان، کنش مثبت آنان، سبب هدایت گروه مستمع شد. اقرار به عدم نقص در این آیات و این‌که این آیات حق است و سبب هدایت می‌شود، از جمله کنش جنیان بعد از شنیدن و گوش سپردن به آیات قرآن است.

از آیات قرآن این‌گونه استنباط می‌شود که دعوت الهی و معجزه‌ی پیامبر خاتم (ص) میان جن و انس مشترک است و قرآن اسبابی برای هدایت هر دو گروه خواهد بود. جنیان، موجوداتی هستند که از حواس و درک انسان پوشیده‌اند و توانایی شنیدن دارند. ایشان در ابتدا با اراده و قصد گوش سپردن به آیات الهی متوجه پیامبر شدند. این مواجهه ایشان در واقع یک موضع‌گیری شنیداری مثبت است که در نهایت این

گوش سپردن، هدایت آن‌ها را به دنبال داشت. افزون بر این ایشان برای شنیدن بهتر آنچه رسول خدا^(ص) قرائت می‌کند، یکدیگر را امر به سکوت کردند، که نشان‌گر وجود همه‌مه و سر و صدا در میان جنیان حاضر در آن مکان است. جنیان با شنیدن کلام اعجاز آمیز قرآن به وجد آمده و اظهار شگفتی کردند. آن‌ها اقرار کردند که این کلام شبیه به آنچه است که بر پیامبران گذشته نازل شده است، بنابراین اقرار به ایمان و پذیرش آیات الهی داشتند و سرانجام هدایت شدند و مانند پیامبرانی مندر، به سوی قوم خود بازگشتند تا آنچه شنیده‌اند را به جنیان دیگر برسانند.

۳-۶-۲. ممنوعات شنیداری برای جنیان و شیاطین

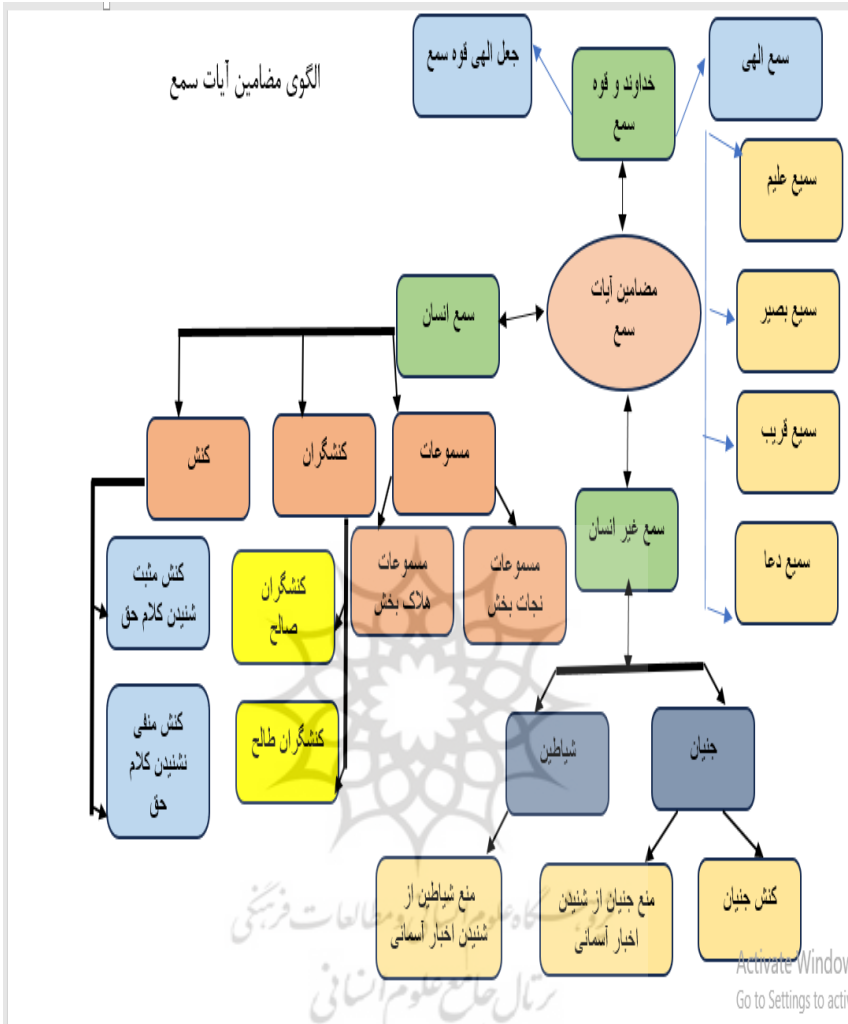
برخی آیات قرآن کریم دلالت بر این مضمون دارد که خداوند متعال آسمان را از استراق سمع شیاطین حفظ می‌کند. در آیه هشتم سوره صافات، به طرد شیاطین، هنگامی که قصد شنیدن اخبار آسمانی را در ملاء اعلی دارند اشاره شده است: «لَّا يَسْمَعُونَ إِلَى الْمَلَأِ الْأَعْلَىٰ وَ يُذْفَوْنَ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ» (الصافات: ۸). با وجود ممنوعیت اعمال شده توسط خداوند برای شیاطین و حضور نگهبانانی برای محافظت از این اخبار در آن‌جا، باز آن‌ها برای شنیدن این اخبار آسمانی در تلاش و تکاپو هستند. در آیه «إِلَّا مَنْ اسْتَرَقَ السَّمْعَ فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ مُّبِينٌ» (الحجر: ۱۸) به تلاش شیاطین برای شنیدن اخبار آسمانی اشاره شده است. در حقیقت شیاطین قصد استراق سمع از اخبار غیبی را داشتند اما شهاب‌هایی به آن‌ها حمله ور می‌شد. استراق سمع، از ریشه (س ر ق) ثلاثی مزید از باب افتعال، به معنای گرفتن چیزی از صاحب آن بدون داشتن حق و به صورت مخفیانه با قصد و اختیار (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۵، ص ۱۱۲). «سَمِعَ»، مصدر ثلاثی مجرّد، به معنای ادراک کردن صداها است (همان، ص ۲۱۲).

ترکیب استراق سمع به معنای گوش دادن به سخن کسی به صورت مخفیانه است (دهخدا، ۱۳۱۰، ج ۲، ص ۸۱۱؛ عاملی کفعمی، ۱۴۰۵، ص ۲۷۴). در این آیه نیز به ممنوعیت شنیدن اخبار آسمانی برای شیاطین تأکید شده است. به باور ثعالبی، انس و جن همواره خواستار کشف مجهولات عالم، اعم از زمینی و آسمانی بوده و هستند؛ ولی همان‌گونه که اسرار عالم ظاهر را بدون تهیه مقدمات

نمی‌توان کشف کرد، کشف اسرار عالم بالا نیز به مقدماتی خاص نیاز دارد و آن ارتقای روح انسانی و روح جنّی است، پس اگر جن و انس بدون تهیه اسباب مناسب، برای کشف اسرار عالم فرشتگان دست بکار شوند، هیچ‌گاه به نتیجه نخواهند رسید (۱۴۱۸ق، مج ۴، ج ۸، ص ۱۲).

افزون بر شیاطین طبق آیه «وَ أَنَا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقَاعِدَ لِلسَّمْعِ فَمَنْ يَسْتَمِعِ الْآنَ يَجِدْ لَهُ شِهَابًا رَّصَدًا» (الجن: ۲۷) جنیان نیز از استماع اخبار آسمانی تحریم شده‌اند. گویا آنان پیش از این، قابلیت استماع اخبار آسمانی را داشتند اما با بعثت رسول خاتم (ص) از شنیدن اخبار غیبی محروم شده‌اند و در صورتی که اراده شنیدن این اخبار را داشته باشند، توسط محافظان آسمانی رانده می‌شوند.





• نتیجه

مضمون فراگیر سمع در آیات مورد پژوهش از لحاظ گونه سمع، مشتمل بر سه دسته مضمون سازمان‌دهنده‌ی: «خداوند و قوه سمع»، «سمع انسان» و «سمع غیر انسان» است. سمع خداوند شامل مقوله سمع الهی و جعل الهی قوه سمع در انسان است. سمع الهی به چهار دسته سمیع علیم، سمیع بصیر، سمیع دعا و سمیع قریب تقسیم شد. همراهی صفت سمیع با اسامی علیم و بصیر به معنای آگاهی و احاطه خداوند به مخلوقاتش چه پنهانی و چه آشکار است. سمیع قریب به معنای شنوایی بسیار نزدیک است که سمیع دعا و شنونده خواسته‌ها و نیازهای مخلوقات است. سمیع بودن خداوند متفاوت از سمیع بودن انسان است. سعی است که با همراهی واژگانی همچون بصیر و علیم به معنای علم و احاطه خداوند است و همراهی هر کدام از این صفات گویای نوع خاصی از آگاهی و بصیرت توأم شنوایی است؛ در حقیقت هیچ چیز از سمع و بصر الهی پوشیده نخواهد بود.

جعل الهی قوه سمع در انسان توسط خداوند انجام شده است و انسان با علم به این موضوع که خداوند جاعل این قوه در او است، لازم است تا حق شکر این نعمت را به جای آورد. اما برخی رفتارها سبب سلب این قوه ادراکی در انسان به امر الهی خواهد شد. مضمون سمع انسان خود مشتمل بر سه دسته مضمونی اصلی «مسموعات»، «کنش‌ها» و «کنش‌گران» است. برخی مسموعات سبب نجات انسان و سعادت وی است و برخی دیگر به جسم و روح انسان آسیب می‌زند و او را به هلاکت می‌کشاند. همچنین نوع مواجهه افراد با سخن حق در سعادت و شقاوت ایشان اثرگذار است.

مقوله مضمونی سمع غیر انسان مشتمل بر دو دسته مضمونی «جنیان» و «شیاطین» است. گروهی از جنیان در مواجهه با شنیدن آیات قرآن، راه ایمان و هدایت را برگزیدند و خود منذرانی هدایت‌کننده در میان قوم خود شدند. با بعثت نبی خاتم^(ص) دسترسی و استماع اخبار آسمانی برای شیاطین و جنیان ممنوع شد.

منابع

• قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶). *الامالی*. تهران: انتشارات کتابچی.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. چاپ سوم. بیروت: دارالصادر.
۳. آمدی، سیف‌الدین (۱۹۸۹م). *المبین فی اصطلاحات الحکما و المتکلمین*. (تصحیح عبدالامیر اعسم). چاپ دوم. قاهره: الیهیئة المصریة.
۴. باردن لورنس (۱۹۷۷م). *تحلیل محتوا*. ترجمه محمدیمین دوزی سرخابی و ملیحه آشتیانی (۱۳۷۴). چاپ اول. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۵. بنیاد پژوهش‌های اسلامی (۱۴۱۵ق). *شرح المصطلحات الکلامیه*. مشهد: آستان قدس رضوی.
۶. ثعالبی، أبو زید عبدالرحمن بن محمد بن مخلوف (۱۴۱۸ق). *الجواهر الحسان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۷. جانی پور، محمد (۱۳۹۶). کارکردهای کیفی استفاده از روش تحلیل محتوا در فهم احادیث. *علوم قرآن و حدیث*، ۱۱(۱)، صص ۲۹-۵۲. DOI:10.22067/naqhs.v0i0.20984
۸. جانی پور، محمد؛ لطفی، سیدمهدی (۱۳۹۴). نقش آیات اخلاقی قرآن کریم در تدوین نظام هدایت فردی و اجتماعی. *تحقیقات علوم قرآن و حدیث*، ۲(۲)، صص ۲۵-۵۳. DOI: 10.22051/TQH.2015.1867
۹. حسن‌زاده آملی، حسن (۱۳۶۹). *انسان و قرآن*. چاپ دوم، تهران: انتشارات الزهراء.
۱۰. خاتمی، احمد (۱۳۷۰). *فرهنگ علم کلام*. تهران: صبا.
۱۱. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). *لغتنامه دهخدا*. چاپ دوم. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۲. دینانی، مرضیه؛ پرچم، اعظم (۱۳۹۷). نقش بافت موقعیتی و پیرامونی در تفسیر آیات مربوط به منافقان. *تحقیقات علوم قرآن و حدیث*، ۱۵(۲)، صص ۹۹-۱۲۳. DOI: 10.22051/tqh.2018.15322.1641
۱۳. راغب اصفهانی، حسین محمد (۱۴۱۲ق). *المفردات فی غریب القرآن*. تحقیق صفوان عدنان داوودی، بیروت: دارالعلم الشامیة.
۱۴. رجب شلگهی، زهرا (۱۳۹۵). زیبایی شناسی فواصل قرآنی سمع و بصر. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*. دانشگاه کردستان، دانشکده زبان‌های خارجی.
۱۵. سجادی، سید جعفر (۱۳۷۹). *فرهنگ و اصطلاحات فلسفی ملاصدرا*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

۱۶. سید رضی، محمد (۱۴۱۴ق). *نهج البلاغه*. قم: هجرت.
۱۷. شرکت، فاطمه (۱۳۹۰). *معناشناسی سمع در قرآن کریم*. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه اصفهان: دانشکده ادبیات.
۱۸. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴). *المیزان فی تفسیر القرآن*. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.
۱۹. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: ناصر خسرو، چاپ سوم.
۲۰. طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵). *مَجْمَعُ الْبَحْرَيْنِ وَ مَطْلَعُ النَّبِيِّينَ*. تهران: کتاب فروشی مرتضوی: چاپ سوم.
۲۱. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق). *العین*. قم: هجرت، چاپ دوم.
۲۲. فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ق). *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر الرافعی*. چاپ دوم. قم: هجرت.
۲۳. قرشی، سیدعلی اکبر (۱۳۷۱). *قاموس قرآن*. چاپ ششم. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۴. کفعمی، ابراهیم (بی تا). *أَلْبَلَدُ الْأَمِينِ وَ الدَّرْعُ الْحَصِينِ مِنَ الْأَدْعِيَةِ وَ الْأَعْمَالِ وَ الْأُورَادِ وَ الْأَذْكَارِ*. بی جا: بی نا.
۲۵. محرمی، رقیه (۱۳۹۳). *معناشناسی واژه سمع در قرآن و بازتاب آن در سیره معصومان (ع)*. **پایان نامه کارشناسی ارشد**. شهرکرد: دانشگاه معارف قرآن و عترت، دانشکده علوم قرآن و حدیث.
۲۶. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۸). *رستگاران*. تدوین محمدمهدی نادری قمی. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۲۷. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۲۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۹. میرزابابایی، سید مهدی (۱۳۹۶). *استعاره مفهومی سمع و اذن در آیات قرآن*. *مجله ذهن*، (۷۲)، صص ۶۷-۸۸.

References:

- The Holy Qur'an
- 1. Ibn Bābiwayh, Abu Ja'far Muhammad bin Ali bin Hossein (1376). *Al Amali* Tehran: Katabachi Publications [In Arabic]
- 2. Ibn Manzoor, Muhammad Ibn Mukrim (1414 AH). *Lisān al-'Arab*, Beirut: Dar al-Sader. [In Arabic]
- 3. Amadi, Seyf al-Din (1989). *Al-Mubin fi Istilahaat al-Hukama wa al-Mutakallimin*. (Abdul Amir A'sam, ed.). Cairo: Al-Hay'ah al-Masriyyah, 2nd edition. [In Arabic]
- 4. Bardin, Laurence (1374). *Content Analysis*. (Mohammad Yaman Dozi Serkhabi, Maliheh Ashtiani, trans.). Tehran: Shahid Beheshti University [In Persian]
- 5. Bonyad-e Pajooresh-ha-ye Islami (1415 Q). *Sharh al-Mustalahat al-Kalamiyyah*. Mashhad: Astan Quds Razavi. [In Persian]
- 6. Tha'ālabī, 'Abd al-Rahman bin Muhammad (1418 AH), *Jawāhir al-Hisān fī Tafsīr al-Qur'an*, Beirut: Dar 'Ihyā' al-Turūth al-Arabi. [In Arabic]
- 7. Janipoor, Muhammad (1396). Qualitative Functions of Employing “Content Analysis” Method in Understanding Hadiths, *Science of Quran and Hadith*, No. 98 (49), pp. 29-52. [In Persian]
- 8. Janipour, Mahammad; Lotfi, Sayyed Mahdi (2015) The Function of Moral Verses of the Holy Quran in Developing the System of Personal and Social Guidance, *Researches of Quran and Hadith Sciences*, No.2(2). pp25-53
- 9. Hassanzadeh Amoli, Hassan (1369). *Human and Quran*. 2nd edition. Tehran: Al-Zahra Publications. [In Persian]
- 10. Khatami, Ahmad (1370). *Culture of Ilm al-Kalam*. Tehran: Saba. [In Persian]

11. Dehkhoda, Ali Akbar (1377). *Dehkhoda Dictionary*. 2nd edition. Tehran: Tehran University Press [In Persian]
12. Dayani Marzieh; parcham; Aazam (2018) The role of Situational Context and circuital Context in Interpreting Koran Verses (8-20 baqara and 1-9 mnafequn), Researches of Quran and Hadith Sciences, No15(2), pp 99-123.
13. Raghīb Esfahani, Hossein bin Mohammad (1412 Q). Translation and Research of al-Mufradāt fi Gharib al-Quran, Edited by Safwan Adnan Dawoodi. Beirut: Dar al-Ilm al-Shamiyyah. [In Arabic]
14. Rajab Shaleghi, Zahra. (2015). Aesthetics of Qur'anic intervals of hearing and sight. (Master's Thesis), University of Kurdistan, Faculty of Foreign Languages. [In Persian]
15. Sajjadi, Seyed Ja'far (1379). *Philosophical Culture and Terminology of Mulla Sadra*. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. [In Persian]
16. Sayed Radī, Mohammad Ibn Hussein (1414 AH), Nahj ul-Balaghah. Qom: Moassasah Dar al-Hijrah. [In Arabic]
17. Sherkat, Fatemeh (1390). The semantics of “Sami” in the Holy Qur'an. (Master's Thesis), Isfahan University. [In Persian]
18. Tabataba'i, Seyed Mohammad Hussein (1374), Al-Mizan fi Tafsīr al-Qur'an, (Seyed Mohammad Baqir Mousavi Hamadani, trans.). Qom: Office of Islamic Publications of the Society of Teachers in Qom, 5th edition. [In Persian]
19. Ṭabrisī, Faḍl ibn Ḥassan (1372), Majma' al-Bayān fi Tafsīr al-Qur'an, Tehran: Nasser Khosrov, third ed. [In Arabic]
20. Turayhī, Fakhr al-Din ibn Muhammad (1995), Majma' al-Bahrain, Tehran: Mortadawī Publications. [In Persian]
21. Farōhīdī, Khalil Ibn Ahmad (1409 AH). Kitab al-'Ayn, Qom: Hijrat Publications. [In Arabic]

22. Fayyūmī, Aḥmad ibn Muḥammad · al-Misbah al-munir fi gharib al-sharh al-kabir lil-Rafi`i. Qom: Hijrat, 2nd edition. [In Arabic]
23. Qurashi, Ali Akbar (1371). Qāmous-e Qur'an, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiya. [In Persian]
24. Kaf'ami, Ibrahim b. Ali (n.d). *Al-Balad al-amīn wa l-dir' al-ḥaṣīn min al-ad'īya wa l-a'māl wa l-awrād wa l-adhkār* . No place. [In Arabic]
25. Moharrami, Roqyah. (2013). The semantics of the word hearing in the Qur'an and its reflection in the lives of the innocents (PBUH). (Master's Thesis), University of Qur'anic and Atrat Studies, Faculty of Qur'anic and Hadith Sciences. [In Persian]
26. Misbah Yazdi, Mohammad Taghi (1388). *The Redeemed Ones (Rastegaran)*. Compiled and written by Mohammad Mahdi Naderi Qomi. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute Publications. [In Persian]
27. Mostafavi, Hassan (1360). *Al-Tahqīq fī Kalimāt al-Qur'an al-Karim*. Tehran: Translation and Publishing Institute. [In Arabic]
28. Makarem Shirazi, Naser (1992). *Tafsir -e Nemooneh*, Tehran: Dar al-Kutub al-Islāmiya. [In Persian]
29. Mirzababai, Seyyed Mehdi (2016). The conceptual metaphor of hearing and odhn in the verses of the Qur'an. *Mind magazine*, vol. 72, pp. 67-88 [In Persian]